

ارزیابی انتقادی رویکردهای موجود در هستی‌شناسی پول؛ ارائه تفسیری بدیل

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۱/۴

تاریخ تأیید: ۱۳۹۴/۳/۱۲

* حسن سبحانی

** حسین درودیان

چکیده

شناخت چستی پول به جهت اهمیت نهاد پول در اقتصاد متعارف و دلالت‌های آن در صدور احکام فقهی همواره یکی از دغدغه‌های نظریه‌پردازان اقتصاد اسلامی بوده است. ادبیات موضوع هستی‌شناسی پول (در غرب) به‌طور عمده مربوط به مجادله‌های دو رویکرد «نظریه کالایی» و «نظریه اعتباری» پول درباره ماهیت، ارزش و کارکرد محوری پول است. نظریه کالایی، پول را کالایی مشابه دیگر کالاها با تفاوت در برخی ویژگی‌ها می‌پندارد و ارزش آن را به ارزش کالایی آن بازمی‌گرداند و بر کارکرد «واسطه مبادله» تأکید دارد. نظریه اعتباری، پول را نمایشگری انتزاعی از ارزش و مطالبه‌ای از جامعه یا تعهد به پرداخت بین انسان‌ها می‌داند که ارزش آن متوقف بر روابط اجتماعی است و بر نقش پول به عنوان واحد محاسبه ارزش اصرار دارد.

در مطالعه‌های اقتصاد اسلامی نیز نظریه‌پردازی‌هایی درباره چستی پول وجود دارد که واجد نقاط قوت و البته کاستی‌هایی است که برخی از این کاستی‌ها مشابه ضعف‌های موجود در دو نظریه کالایی و اعتباری است. ما در ارائه فهمی از پول با تأکید بر وجه اعتباری آن با این ادعا که نظریه کالایی فاقد توان کافی در تبیین پول بوده و تعریف‌های مورد اشاره در کلام نظریه‌پردازان اعتباری هم دچار دوگانگی است، بر تفکیک دو سطح تلقی از پول تأکید کرده، پول را در معنای جوهری همان «معیاری انتزاعی از ارزش» یا «مفهومی برای اندازه‌گیری ارزش‌ها» دانسته و تعریف پول در فهم صحیح عرفی را «نشانگری از طلبی معتبر به سبب مقبولیت ناشی از اعتبار ناشر» معرفی کرده‌ایم. این تفکیک بین دو سطح تلقی از پول، مهم‌ترین نقص موجود در تعریف‌های ارائه‌شده از پول در نظریه اعتباری را رفع می‌کند.

واژگان کلیدی: پول، هستی‌شناسی، نظریه کالایی، نظریه اعتباری.

طبقه‌بندی JEL: E12, E42, N10.

۱۱۳

فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی / سال پانزدهم / شماره ۵۷ / بهار ۱۳۹۴

Email: sobhanihs@ut.ac.ir.

*. استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.

**دانشجوی دکترای اقتصاد دانشگاه تهران و پژوهشگر مؤسسه مطالعات و تحقیقات مبین.

Email: h_doroodian@yahoo.com.

مقدمه

هستی‌شناسی پول یکی از مهم‌ترین موضوع‌های مورد بحث در ادبیات بحث‌های پولی بوده و سنت‌های رقیب فکری در غرب مجادله‌ای اساسی درباره محورهای مندرج در بحث‌های هستی‌شناسانه پولی دارند. همین‌طور شناخت ماهیت پول در حوزه مطالعه‌های اقتصاد اسلامی موضوعی شناخته‌شده و دارای ادبیات است. شناخت صحیح پول کنونی به مثابه نهادی مدرن، مقدمه‌ای کلیدی برای ورود به حوزه اصلاح‌های پولی در جهت هدف‌های مطلوب اقتصاد اسلامی است؛ چنان‌که موضوع‌شناسی صحیح درباره تمام پدیده‌های مدرن از دید رویکرد انتقادی و اصلاح‌جویانه چارچوب برگرفته از دین اسلام، امری حائز اهمیت است. افزون بر این، بررسی چیستی پول دلالت‌هایی در صدور احکام فقهی مربوطه دارد؛ مسائلی مانند قابلیت خرید و فروش پول‌های کنونی (عدم صدق ربای معاملی)، جبران کاهش ارزش پول، صدق شرط‌های باب صرف و مانند آن بر مشخص شدن ماهیت پول‌های کنونی متوقف است (توسلی، ۱۳۸۴، ص ۱۲۴).

البته اقتصاددانان و کتاب‌های متعارف اقتصاد توجه کمی به مقوله چیستی پول نشان داده‌اند؛ شاید به این علت که آنچه برای آنها بیشتر اهمیت دارد، کارکرد این پدیده است. اینکه چرا کارکردهای یک پدیده به جای ماهیت آن مورد توجه قرار می‌گیرد به ساختار واقعیت‌های اجتماعی (Social Facts) بازمی‌گردد. ما در فضایی پرورش می‌یابیم که این واقعیت‌ها مسلم فرض شده است. پدیده‌هایی مانند دانشگاه، خودرو، مدرسه و پول از سوی ما استفاده شده و چنان طبیعی به نظر می‌رسند که کوه، درخت و دریا (واقعیت‌های طبیعی (Brute Facts)). واقعیت‌های اجتماعی به‌وسیله ما برای حصول هدف‌هایی خلق شده و برای ما در ارتباط با همان کارکردها قابل درک است. همین که از کارکرد آنها عبور کنیم، با وظیفه فکری سخت روبه‌رو می‌شویم: شناخت آنها بر حسب ویژگی‌های ماهوی بدون ارجاع به منافع و هدف‌های آنها (سرل، ۱۹۹۵م، ص ۴).

مرور جامع ادبیات موضوع از وجود دیدگاه‌های رقیب در پاسخ‌گویی به پرسش‌های هستی‌شناسانه از پول حاکی است. ما به وضوح با دو سنت یا رویکرد فکری در پاسخ‌گویی به پرسش‌های هستی‌شناختی درباره پول روبه‌رو هستیم که در یک بیان کلی این دو پایگاه فکری را با عنوان «نظریه کالایی» و «نظریه اعتباری» از هم متمایز می‌کنیم. مهم‌ترین

محورهای مورد اختلاف بین این دو رویکرد که می‌توان آنها را مسائل اصلی در هستی‌شناسی پول معرفی کرد، عبارت هستند از چیستی پول، سرچشمه ارزش پول و شناسایی کارکرد اصلی در بین کارکردهای پول. ارائه مقایسه‌ای موضع دو رویکرد رقیب می‌تواند روشی مفید جهت حصول شناختی دقیق از چیستی پول و شاید دستیابی به آورده نظری باشد. به زعم ما نظریه کالایی به ارائه تبیینی متقن از چیستی پول قادر نبوده و تأمل در دیدگاه‌های نظریه اعتباری به خوبی ضعف‌های تبیین کالایی از پول را هویدا می‌سازد. با وجود این تعریف‌های ارائه‌شده در نظریه اعتباری نیز گاهی متفاوت و ناهمگن است و نمی‌توان آنها را تبیینی از یک امر واحد دانست. کوشش ما در مقاله پیش رو، شفاف‌کردن این ناهمگنی و ارائه دو سطح متفاوت از فهم پول است که عدم همگنی پیش‌گفته را برطرف خواهد ساخت.

برخی اندیشه‌وران فعال در حوزه اقتصاد اسلامی در کشور نیز کوشش‌هایی مغتنم جهت ارائه شناختی از چیستی پول صورت داده‌اند که چکیده‌ای از مهم‌ترین آنها نیز مورد تقریر و نقد قرار خواهد گرفت.

نظریه کالایی پول

تبیین کالایی از پول که گاهی در ادبیات موضوع از آن با عنوان «فلزگرایی» (Metalism) یاد می‌شود، توضیحی درباره پول است که مورد علاقه لیبرال‌های اقتصادی - اعم از لیبرال‌های کلاسیک و متأخر (مکتب اتریش) - بوده و نظریه متعارف اقتصاد نیز به‌طور عمده در چارچوب لوازم آن می‌اندیشد. همان‌طور که یاد شد این نظریه را در قالب محورهای ماهیت، ارزش و کارکرد اصلی پول معرفی خواهیم.

ماهیت پول

نظریه کالایی به بیان ساده پول را کالایی مشابه دیگر کالاها می‌بیند که فقط به سبب داشتن ویژگی‌هایی، تحت تحول‌های تاریخی بدل به واسطه مبادله شده است. بنا بر این نظریه، پول به این علت قادر است نقش واسطه مبادله را ایفا کند که خود کالایی قابل مبادله است. کالابودن پول دو صورت یا سطح دارد: الف) پول خود کالای خاص است؛ ب) رسیدی از پشتوانه کالایی است. بازتاب این رویکرد در نظریه متعارف اقتصادی در مدل تعادل عمومی

والراس مشهود است که در آن n امین کالا به عنوان شمارنده (Numeraire) در نظر گرفته می‌شود. اگرچه والراس با انتخاب عنوان «شمارنده» برای پول به نظر می‌رسد یک گام به تبیین‌های دگراندیش درباره پول نزدیک شده است؛ اما با بیان اینکه «معیار ما از ارزش باید کمیته مشخص از یک کالای داده شده باشد» (والراس، ۱۹۵۴م، ص ۱۸۸)، به صراحت پول را در ردیف دیگر کالاها قرار می‌دهد. به بیان میکس «هر یک از $n-1$ کالای دیگر هم می‌توانست شمارنده [پول] در نظر گرفته شود» (هیکس، ۱۹۶۷م، ص ۳). تصریح‌هایی در جهت تلقی کالایی از پول در بین اقتصاددانان قابل جست‌وجو است؛ از جمله فیشر باور دارد: «هر کالایی که پول نامیده می‌شود باید به طور عام در مبادله‌های مورد پذیرش قرار گیرد و هر کالایی که به طور عام در مبادله‌های مورد پذیرش است باید پول نامیده شود» (فیشر، ۱۹۳۱م، ص ۲). ریکاردو با پیشگامی در این عرصه بر صحت و لزوم شیئیت فیزیکی پول تأکید می‌ورزد: «هیچ معیار خطاناپذیری از طول، زمان، وزن و ارزش نمی‌تواند وجود داشته باشد؛ مگر آنکه شیئی در طبیعت باشد که آن استاندارد را بتوان به آن ارجاع داد» (به نقل از اینگهام، ۲۰۰۴م، ص ۱۵).

ارزش پول

درباره ارزش پول باید به نکته‌ای ظریف توجه کرد و آن تفکیک دو معنا یا دو سطح متفاوت از این موضوع است. یک معنا از ارزش پول ناظر بر قدرت خرید آن نسبت به دیگر کالاها و خدمات است که بحث‌های مربوط به تورم و کاهش ارزش پول در این حوزه قرار می‌گیرد؛ اما معنای دوم مربوط به ارزش مندی یا پذیرفتگی پول است. در اینجا منظور ما از ارزش پول در حقیقت همان پذیرفتگی یا ارزش مندی است؛ از این‌رو ارتباطی به بحث‌های مربوط به تغییر سطح قیمت‌ها و نرخ ارز نمی‌یابد. پرسش اصلی در اینجا این است که چرا افراد پول را در مبادله‌ها پذیرفته و حاضر می‌شوند در ازای دریافت آن کالا و خدمت واگذارند.

نظریه کالایی ارزش پول را به ارزش ذاتی کالایی که به عنوان واسطه مبادله به کار می‌رود، منتسب می‌سازد. در حقیقت استفاده پولی از یک کالا سرانجام به استفاده غیرپولی آن منتسب می‌شود (هالزمن، ۲۰۰۸م، ص ۲۳). افزون بر اقتصاددانان مکتب اتریش و دیگر

اقتصاددانان بزرگی که در عصر حاکمیت استاندارد طلا می‌زیستند، مارکس و پیروانش نیز تمام‌قد از نظریه کالایی پول دفاع می‌کنند. این موضع مارکس به طور ساده از دلالت‌های پایبندی وی به نظریه ارزش مبتنی بر نیروی کار است. مارکس ظهور طلا به عنوان پول را از آن ناشی می‌داند که پیش‌تر به عنوان کالایی دارای ارزش تلقی شده و کار و کوشش در معدن‌کاری و ضربایی به آن ارزش می‌بخشد (مارکس، ۱۹۷۶م، در اینگهام، ۲۰۰۴م، ص ۶۱). ناسازگاری این نظریه با واقعیت‌های پولی متأخر که در آن پول هیچ پشتوانه کالایی ندارد، واکنش‌هایی در بین نظریه‌پردازان کالایی برانگیخته است؛ از جمله هالزمن (۲۰۰۸م) در دفاع از این دیدگاه و برای علت عدم صدق آن با پول اعتباری رایج، پذیرفتگی پول جدید را به سادگی ناشی از «نیروی پلیسی» (Police Power) و تهدید مردم به پذیرش آن معرفی می‌کند.

کارکرد محوری

به طور معمول سه کارکرد پول به عنوان «واسطه مبادله» (Medium of Exchange)، «واحد (محاسبه) ارزش» (Unit of Account) و «ذخیره ارزش» (Store of Value) معرفی می‌شود؛ البته در کارکرد اصلی پول اختلاف است. با رجوع به بیان طرفداران نظریه کالایی درباره چگونگی پیدایش بازاری پول به راحتی می‌توان فهمید که این نگرش بر نقش «واسطه مبادله» به عنوان کارکرد اصلی پول تأکید داشته و دو کارکرد دیگر را دارای اهمیت کمتر و دنباله‌رو نقش محوری واسطه مبادله تلقی می‌کند. تلقی رویکرد کالایی این است که در بازارهای تهاتری اولیه یک کالا (نقدشونده) (Salable) ترین یا خوش‌فروش‌ترین کالای بازار) تحت انگیزه‌های نفع‌طلبانه عاملان به طور خودجوش به «واسطه مبادله» تبدیل می‌شود و این مفهوم اولیه پول است.

نظریه اعتباری پول

نظریه موسوم به «اعتباری» در واکنش به عدم انطباق تبیین نظریه کالایی با واقعیت‌های پولی در قرن بیستم شکل گرفت؛ زمانی که پول دیگر نه تنها ظاهر کالایی (طلا و نقره) را از

دست داد؛ بلکه حتی رسیدی دال بر مطالبه از یک پشتوانه کالایی نیز شمرده نمی‌شد. این موضوع سبب جلب عمیق‌تر توجه‌ها به مقوله چیستی پول شد و مسائل مربوط به هستی‌شناسی پول را در چشم محققان، پررنگ و حل‌نشده جلوه داد. به نظر می‌رسد این نظریه فهمی کم‌اشتباه‌تر از چیستی پول ارائه کرده است.

ماهیت پول

نظریه اعتباری در کوشش جهت تبیین چیستی پول بر ایده‌ای متکی است که گامی بلند در شناخت دقیق از پول شمرده می‌شود: «تفکیک بین پول و عینیتی که کارکرد پولی بر آن وضع شده است (ماده پولی)». گئورگ زیمل (۱۹۱۸م-۱۸۵۸م) جامعه‌شناس شهیر آلمانی به طور احتمال پیشگام تشخیص این نکته کلیدی بوده است. وی با تأکید بر لزوم تمییز ماهیت پول و ماده‌ای که برای ایفای بهتر نقش پولی به کار گرفته می‌شد، خاطرنشان می‌کند: «تا آنجا که حقیقت خالص پول مورد توجه است، پول باید به طور کامل منفک از ویژگی‌های ثانوی که آن را در برابر کالاهای دیگر قرار می‌دهد تفسیر شود» (زیمل، ۱۹۷۸م، ص ۱۲۴). به پندار وی ماده فیزیکی پول آن را بهتر قادر می‌کند تا در بین دیگر کالاها کارکرد خود را ایفا کند؛ اما جوهره پول ماده فیزیکی ملموس نیست. در اوج حاکمیت استاندارد طلا، زیمل با صراحتی پیش‌گویانه وعده می‌دهد که «روزی پیشرفت فناوری، پول را از شکل فیزیکی آن آزاد می‌کند. آن‌گاه حقیقت پول به عنوان یک پدیده اجتماعی و نه شیئی فیزیکی آشکار خواهد شد» (همان، ص ۱۶۵). مایکل اینس نیز از پیشگامان ارائه این شناخت از پول بود که متذکر شد: «چشم‌ها هرگز یک دلار را ندیده و دست‌ها آن را لمس نکرده‌اند» (اینس، ۱۹۱۳م، ص ۵۵).

این فراست، زیمل را قادر ساخت تا عبارتهایی درخور در بیان چیستی پول ارائه کند که مهم‌ترین آنها به این شرح هستند: «پول نمایشگر ارزش انتزاعی است»؛ «ارزش اشیاست به دور از خود آنها» (همان، ص ۱۲۰) «قابلیت مبادله خالص اشیاست» و نیز این تعریف که «پول طلبی از جامعه است ... پول حواله‌ای است که نام تأدیه‌کننده از آن حذف شده است» (همان، ص ۱۷۷). از اینجا می‌توان دریافت که ایده شویمپتر (۱۹۵۴م) مبنی بر این

که دارنده پول، طلبکار کالا است و پول مطالبه‌ای از تولید اجتماعی می‌باشد، الهام گرفته از زیمل بوده است. جفری/ینگهام جامعه‌شناس اقتصادی متأخر انگلیسی نیز درباره ماهیت پول بر این اصرار دارد که «پول یک رابطه اجتماعی است». عصاره دیدگاه وی درباره ماهیت پول این است که پول باید به مثابه یک مطالبه یا اعتبار فهم شود که به وسیله روابط اجتماعی خاصی، مستقل از تولید کالا و خدمات، موجودیت می‌یابد. پول صرف نظر از مظاهر گوناگون آن در ذات یک تعهد به پرداخت بین انسان‌ها و نه چیزی بیش از آن است. پول رابطه‌ای از اعتبار و بدهی است که بر حسب یک پول محاسباتی تعیین و بیان می‌شود. وی تعریف‌های دیگری نیز از پول دارد از جمله اینکه «پول قدرت خرید انتزاعی است» (ینگهام، ۲۰۰۴م، ص ۵۷) یا «پول فی‌نفسه ارزش است» (همان، ص ۶۱).

از ادعاهای مهم طرفداران نظریه اعتباری درباره ماهیت پول عدم تفاوت ماهوی بین پول‌های فلزی (طلا و نقره) و پول مدرن است. به باور این گروه حتی مسکوکات فلزات گران‌بها که در دوره‌ای طولانی از حیات ملت‌ها به عنوان پول رایج در جوامع در جریان بوده هم چیزی فراتر از تعهد به پرداخت معتبری بین انسان‌ها نبوده است. شاید باز هم زیمل پیشگام این ادعا بوده است. وی مدعی می‌شود پول فلزی که به طور معمول به عنوان نقطه مقابل پول اعتباری در نظر گرفته می‌شود، ویژگی‌هایی مشابه دیگر روابط اعتباری دارد. اینکه جوهره فلزی مسکوکات (از حیث خلوص) در مبادله‌های روزمره قابل راستی‌آزمایی نیست و مهر ضرب‌شده به وسیله مرجع قدرت روی آن این ریسک را برطرف می‌کند و اینکه افراد باید به آن اعتماد کنند، پرده از ماهیت اعتباری پول‌های فلزی برمی‌دارد. ینگهام در این‌باره تأکیدی خاص بر رواج پول‌های فلزی در عین کاهش ارزش آن به وسیله قدرت ناشر و واردآوردن انواع خراش‌ها و آسیب‌ها به مسکوکات دارد که هیچ‌یک آنها را از چرخه اقتصادی خارج نمی‌کرد. اشاره گودهارت به بی‌اعتبار شدن مسکوکات حکومت‌های رو به زوال نیز در همین جهت است (گودهارت، ۱۹۹۸م، ص ۴۱۴). تبیین مشترک از ماهیت پول‌های فلزی قدیمی و پول‌های بدون پشتوانه امروزی از آورده‌های مهم نظریه اعتباری شمرده می‌شود.

ارزش پول

گذشت که بحث درباره ارزش پول متوجه ارزش مندی (پذیرفتگی) پول و نه قدرت خرید آن است. امروزه پذیرش پولی بدون پشتوانه و ردوبدل شدن نمایشگرهای عددی بی‌ارزش در حساب‌های بانکی به وسیله افراد بدون هراس از فقدان ارزش کالایی، فضا را برای شرح نظریه اعتباری از ارزش پول باز کرده است. در تشریح چرایی ارزش مندی پول در بین صاحب‌نظران این گروه تعبیرهای گوناگونی دیده می‌شود که اگرچه در برخی موارد با هم مغایر (و نه لزوماً متباین) است؛ اما همگی در این ویژگی اشتراک دارند که پول ارزش اعتباری صرف‌نظر از ارزش کالایی آن دارد و پول پدیده‌ای اجتماعی (و نه اقتصادی) است که اعتبار و تأیید ناشر در پذیرفتگی آن نقشی مهم بازی می‌کند. زیمل ارزش پول را متکی به اطمینان دریافت‌کننده به اینکه قادر خواهد بود مقدار مشخصی کالا در مبادله به دست آورد دانست (لاو و اسمیتین، ۲۰۰۲م، ص ۱۳). در حقیقت این بیان از ارزش پول، پذیرفتگی عمومی را عامل ارزش پول معرفی می‌کند. برخی صاحب‌نظران اعتباری مایل هستند برای تشریح علت ارزش مندی پول آن را به «ژتون» تشبیه کنند. ارزش (پذیرفتگی) ژتون به این باز می‌گردد که می‌توان با ارائه آن کالا و خدمت دریافت کرد. همین تعبیر ژتونی از پول وجه تسمیه واژه چارتالیزم (از ریشه لاتین Charta به معنای ژتون یا بلیط) بوده است که برای اشاره به نظریه‌پردازان اعتباری به کار رفته است.

این ایده که پول مشابه یک ژتون است که پذیرفتگی آن به وسیله یک فرد به اطمینان به پذیرش آن از سوی دیگران بازمی‌گردد، تبیینی صحیح از علت پذیرفتگی پول به وسیله افراد در رفتار روزمره ارائه می‌کند؛ اما این نمی‌تواند تمام مطلب درباره ارزش مندی پول باشد؛ چرا که همین پذیرفتگی عمومی باید متکی به مبنایی باشد. به عبارت دیگر اگر گفته شود «یک فرد پول را می‌پذیرد به این علت که دیگران نیز از وی خواهند پذیرفت» باز پرسیده می‌شود که «دیگران چرا چنین می‌کنند؟». اینجاست که اشاره مؤکد نظریه اعتباری به سوی نهاد قدرت معطوف می‌شود. کینز در اثر مهم خود یعنی رساله‌ای در باب پول، پول را منحصرأ مخلوق دولت معرفی کرد (کینز، ۱۹۳۰م، ص ۴). زیمل (۱۹۰۰م) نیز ارزش پول را مبتنی بر تضمینی می‌دانست که به وسیله قدرت سیاسی مرکزی به آن داده می‌شود (زیمل، ۱۹۷۸م، ص ۱۹۷). به گمان/ینگهام از آنجا که ماهیت پول چیزی جز یک تعهد

(قول) نیست، بنابراین مسئله اعتماد درباره پول بسیار کلیدی است؛ اما درباره پول مسئله اعتماد با دیگر مبادله‌ها که مبتنی بر اعتماد شخصی می‌باشد، متفاوت است؛ زیرا اهمیت پول در این است که مشکل اعتماد را در بازارهای بزرگ و بین طرف‌های بی‌شمار به وسیله اتکا به یک مشروعیت قانونی سیاسی و اجتماعی حل می‌کند و به عاملان اجازه می‌دهد بدون نگرانی وارد روابط پیچیده چندجانبه شوند. مبتنی بر تعریف پول به عنوان یک تعهد به پرداخت، وی معتبر بودن این تعهد را به سبب اتکا به نهاد قدرتی می‌داند که قوه قهریه را در اختیار دارد. به این ترتیب وی سرانجام سرچشمه ارزش پول را در انحصار دولت در اعمال قدرت فیزیکی جست‌وجو می‌کند (اینگهام، ۲۰۰۴م، ص ۷۴).

نظریه اعتباری درباره ارزش پول نیز هیچ تفاوتی بین پول مدرن و پیشامدرن قائل نیست و تمام انواع پول را دارای ارزش اعتباری می‌داند. پول فلزی هم چیزی جز تعهد به پرداخت که متضمن رابطه‌ای بین دارنده و فروشنده است نبود: «ادعای اولی برای اکتساب یک کالا یا خدمت و اعتماد دومی به اینکه سند دال بر طلب پدید آمده ناشی از این مبادله مورد پذیرش دیگران قرار خواهد گرفت» (همان، ۱۹۹۶م، ص ۱۱۶). بنابراین انتقال از پول فلزی به پول کاغذی، رخدادی که از دید نظریه فلزگرا تحولی بنیادین شمرده می‌شود، برای نظریه اعتباری امری محتمل و طبیعی بوده و به سادگی قابل تبیین است.

یکی از ایده‌های خاص و پربحث که عنوان چارتالیست نوعاً برای باورمندان به این ایده به کار می‌رود، برقراری ارتباط بین پذیرفتگی پول و مالیات‌ستانی است. نپ پیشگام طرح این ایده بوده و سپس اینس، اینگهام، ری و دیگران از این ایده پشتیبانی کرده‌اند. بر اساس این ایده، ارزش پول از این حقیقت می‌آید که مردم برای پرداخت مالیات به دولت نیاز به اکتساب پول منتشرشده به‌وسیله وی دارند؛ زیرا دولت تأدیئه بدهی مالیاتی خود را فقط با دریافت پول منتشره به‌وسیله خود می‌پذیرد؛ بنابراین دولت به سبب قدرت مالیات‌گیری قادر است هر نوع ژتونی را به عنوان پول بر مردم تحمیل کند (ری، ۲۰۰۲م، ص ۵۲).

کارکرد محوری

در برابر تأکید رویکرد کالایی بر نقش پول به عنوان واسطه مبادله، نظریه‌پردازان اعتباری کارکرد اصلی پول را ایفای نقش شمارش ارزش می‌دانند. با اندک تأملی می‌توان دریافت

که تقدم نقش واسطه مبادله به طور کامل در جهت تلقی کالایی از پول و چگونگی پیدایش آن از مبادله‌های بازاری است؛ این در حالی است که شناخت پول به عنوان وجود اعتباری، باعث شده نظریه‌پردازان اعتباری، پولیت را در نقش پول به عنوان معیار انتزاعی ارزش یا واحد محاسبه جست‌وجو کنند. به نظر آنان تأکید بر نقش واسطه مبادله در نظریه رایج ناشی از خلط بین شکل خاصی از پول (ماده پولی) و جوهره انتزاعی پول است. گرچه ایده اولیه این مطلب را نپ (۱۹۲۴م) مطرح کرد؛ اما کینز (۱۹۳۰م) در بسط این ایده اثری قابل توجه داشت. وی مفهوم اصلی و اولیه پول را پول محاسباتی معرفی کرده و در تعریف پول محاسباتی آن را همان چیزی می‌داند که بدهی و قیمت‌ها بر حسب آن بیان می‌شود. به باور اینگهام در بین کارکردهای پول آنچه قابل جایگزینی نیست، نقش پول به عنوان واحد محاسبه (پول محاسباتی) است. ممکن است در مقاطعی کالاهایی نقش واسطه مبادله را عهده‌دار شود یا برخی دارایی‌ها به خوبی از وظیفه ذخیره ارزش برآیند؛ اما نقش پول به عنوان واحد محاسبه جایگزین‌ناپذیر است. چندگانگی پول نشانگر این حقیقت می‌باشد که پولیت در پول محاسباتی نهفته است؛ مفهوم واحدی به نام دلار در قالب اشکالی متعدد مانند سکه، اسکناس، چک و اثرهای مغناطیسی در شبکه‌های کامپیوتری (پول بانکی) تجلی یافته است. از بین رفتن شکل مادی پول در مبادله‌های امروز که طی آن فقط اعدادی بین حساب‌ها کم‌وزیاد می‌شود، به خوبی ماهیت حقیقی پول که بیان انتزاعی ارزش‌ها (پول محاسباتی) است را نمایان می‌کند (اینگهام، ۲۰۰۴م، ص ۷۰).

جدول ۱: خلاصه دیدگاه‌های دو رویکرد رقیب در هستی‌شناسی پول

نظریه اعتباری	نظریه کالایی	
نمایشگر انتزاعی ارزش؛ طلبی از جامعه؛ تعهد به پرداخت بین انسان‌ها؛ موجودیتی اجتماعی (و نه اقتصادی)	کالایی اقتصادی در بین دیگر کالاها با تفاوت در برخی ویژگی‌ها	ماهیت پول
ارزش اعتباری ناشی از پذیرفتگی عمومی به اتکای اعتبار ناشر	ارزش کالایی ماده پول یا پشتوانه آن	سرچشمه ارزش پول
واحد محاسبه ارزش	واسطه مبادله	کارکرد محوری پول

ارزیابی

بحث‌های مطرح‌شده در بیان دو رویکرد اصلی در بحث ماهیت‌شناسی پول، توانست مواضع اصلی دو نظریه درباره اهم موضوع‌های هستی‌شناسانه پولی را روشن سازد. اکنون در صدد هستیم تا ارزیابی خود از مطلب‌های عنوان‌شده را ارائه کنیم.

قوت نظریه اعتباری در تبیین ماهیت پول

مطلب نخست قابل ذکر، قوی‌تر و عمیق‌تر بودن شناخت نظریه‌پردازان اعتباری از چستی پول است. بهترین نکته‌های مورد اشاره در کلام طرفداران تلقی اعتباری عبارت است از جداسازی ماهیت پول از ماده پولی، تبیین پول به عنوان تعهد به پرداخت یا سندی بی‌نام دال بر مطالبه دارنده از تولید اجتماعی، تأکید بر جایگاه قدرت و مشروعیت قانونی در قوام‌یابی پول و معرفی نقش پول به عنوان بیانگری ارزش انتزاعی (تأکید بر پول محاسباتی) به عنوان مفهوم اصلی پول. ارائه توضیح یکسان درباره ماهیت پول مدرن و پیشامدرن نیز از آورده‌های مهم این رویکرد است که فقط به اتکای آن می‌توان بسیاری از واقعیت‌های تاریخ پولی مانند تداوم رواج مسکوکات فلزی در عین کاهش ارزش پیوسته آن به وسیله حاکمان در جوامع گوناگون را توضیح داد. نکته تکمیلی ما در این باره این است که استفاده از فلزهای گران‌بها به عنوان محمول مادی پول در ادوار گذشته به این علت بود که پذیرش عمومی محمولی فاقد ارزش ذاتی برای پول برای بشر دشوار بود؛ حال آنکه به تدریج با ارتقای توان ذهنی و رشد قابلیت نهادسازی و نهادپذیری در جوامع انسانی، مفهوم پول بر اشیایی فاقد ارزش ذاتی بار شد.

سازگاری نظریه اعتباری با تحول‌های متأخر پولی

تحلیل دقیق‌تر نظریه اعتباری از ماهیت پول باعث شده این نظریه به توضیح وقایع پولی دوره‌های اخیر قادر باشد. وقتی ماهیت پول به مثابه اعتبار و معیاری از ارزش انتزاعی، شناخته و جنس پول در ایفای این کارکرد بی‌ارتباط تلقی شود، آنگاه درک تحول از پول فلزی به پول کاغذی و سپس پول الکترونیک آسان خواهد بود؛ در حالی که پذیرفتگی و رواج پول‌های کاغذی یا پول اعتباری بانکی در چارچوب نظریه کالایی غیر قابل توضیح است. دیگر تحول اخیر در نظام پولی از بین رفتن بُعد مادی و انجام مبادله‌ها از راه تغییر

در اعداد حساب‌های بانکی می‌باشد که به وضوح سازگار است با تأکید نظریه‌پردازان اعتباری بر اولویت و تقدم کارکرد واحد محاسبه در برابر تقدم نقش واسطه مبادله.

دوگانگی تعریف‌های نظریه‌پردازان اعتباری از ماهیت پول

تأمل در تعریف‌های نظریه‌پردازان اعتباری نکته‌ای ظریف را برملا می‌سازد و آن این است که به نظر می‌رسد تعریف‌های آنها با یکدیگر قابل جمع نبوده و تعریف‌های گوناگون از یک چیز واحد نیست. این تعریف‌ها القاکننده دو معنا از پول است. یک دسته از این تعریف‌ها از پول، آن را فقط یک اسم یا معیار ارزش می‌داند و دسته‌ای دیگر بر ماهیت آن به مثابه اعتبار یا تعهد به پرداخت تأکید می‌کند؛ به طور مثال، اینگهام از یک سو پول را ارزش فی‌نفسه و قدرت خرید انتزاعی می‌داند؛ اما از سوی دیگر آن را نوعی تعهد به پرداخت و رابطه‌ای بدهکار- بستانکار می‌داند که این دو تعبیر را نمی‌توان یکسان دانست. همین ابهام در کلام زیمل نیز مشاهده می‌شود جایی که وی هم پول را نمایشگر انتزاعی ارزش یا ارزش اشیا به دور از خود آنها می‌داند و هم طلبی از جامعه. به نظر نمی‌رسد این دو نوع تعبیرها از چیستی پول با هم قابل جایگزینی باشد.

دور از ذهن بودن ایده چارتالیست‌ها

چارتالیست‌ها بر این باورند که پذیرفتگی پول ناشی از قدرت دریافت مالیات دولت است و به سبب آنکه دولت طلب مالیاتی خود را فقط با دریافت پول خود تسویه می‌کند، هر ژتون انتشار یافته به وسیله وی معتبر می‌شود. این ایده اگرچه ممکن است تبیینی صحیح از علت رواج پول در برخی ادوار و جوامع باشد؛ اما اصرار بر صدق آن در پول‌های امروزی جای تأمل دارد. این شرح به منزله آن است که چنان‌که دولت‌های امروزی دست از وضع مالیات بکشند، دیگر اسکناس و مسکوک منتشرشده به وسیله آنها مورد پذیرش قرار نخواهد گرفت! این ایده از سوی برخی اقتصاددانان از جمله ماسگریو (Musgrave) (۲۰۰۹م) مورد انتقاد جدی قرار گرفته (توسلی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۵۲) و حتی در درون طرفداران نظریه اعتباری نیز مخالفانی دارد که به این حقیقت اشاره کرده‌اند که در دوره‌های از تاریخ نظام‌های پولی مناسبی وجود داشت بدون اینکه مالیات‌ستانی سهم مهمی در اقتصاد داشته باشد (پارگوئز و سکارسیا، ۲۰۰۲م، ص ۱۱۹).

کیفیت نقش دولت در ارزش‌دهی به پول

در تبیین ارزش پول در نظریه اعتباری متذکر شدیم که /ینگهام (۲۰۰۲م) سرچشمه ارزش پول را در اصل به انحصار دولت در اعمال زور منتسب می‌سازد. این بیان /ینگهام در ظاهر با تعبیر پیشین از هالزمن (۲۰۰۸م) از ابتدای پذیرفتگی پول بر نیروی پلیسی مشابهت دارد. هالزمن در رویارویی با واقعیت رایج یعنی پذیرش عمومی پول بدون ارزش کالایی و پشتوانه و جهت توضیح علت عدم انطباق این واقعیت‌ها با تبیین کالایی مورد نظر وی از پذیرفتگی پول بیان می‌دارد: «این پول [کاغذی] فقط زمانی که نیروی پلیس رقیبان آن را سرکوب می‌کند مورد استفاده قرار می‌گیرد» (هالزمن، ۲۰۰۸م، ص ۳۲)؛ اما واقعیت آن است که استفاده‌کنندگان پول کاغذی در استفاده از آن احساس تهدید از ناحیه برخورد پلیسی ندارند. آیا به واقع اگر امروزه دو مبادله‌کننده تصمیم بگیرند در مبادله خود به طور مثال فلزهای گران‌بها را به عنوان واسطه مورد استفاده قرار دهند، با برخورد پلیسی دولت روبه‌رو خواهند شد؟

۱۲۵

به نظر می‌رسد منظور /ینگهام از ابتدای ارزش پول بر قوه قهریه دولت را نمی‌توان از ظاهر آن به درستی درک کرد و باید در این‌باره توضیحی کلیدی ارائه کرد. واقعیت آن است که امکان‌پذیری بسیاری از رفتارهای جمعی متکی بر قوه قهریه دولت است. اگر ما به خرید بسیاری از محصولات غذایی مبادرت می‌کنیم، اطمینان به سلامت و صحت آنها تا حد فراوانی به سبب باور به وجود قدرتی است که ناظر بر سلامت و کیفیت این محصولات است. کم‌وبیش تمام رفت‌وآمدها و حضور ما در اماکن عمومی متکی است بر اعتماد ما به وجود نظام قدرتی که تهدیدکنندگان امنیت و تعرض‌کنندگان به حریم دیگران را مورد پیگرد قرار می‌دهد. همین‌طور اگر ما در عین ناآگاهی و ناتوانی از تشخیص خلوص فلزهای گران‌بها - به ویژه طلا - به خرید آن در بازار اقدام می‌کنیم مبتنی بر این اطمینان است که قانون و نظام قدرت در صورت بروز تخلف از متضرر حمایت خواهد کرد؛ پس اگر دولت به عنوان دارنده قوه قهریه وجود نمی‌داشت، بسیاری از این مراددها ممکن نمی‌شد. درباره پول هم چنین مطلبی صادق است و منظور /ینگهام از اثر حق اعمال قدرت فیزیکی دولت در پذیرفتگی پول را باید همین دانست.

مطالعه‌های داخلی

نظریه‌پردازی درباره ماهیت پول در کشور به طور جالب توجهی به ادبیات اقتصاد اسلامی منحصر است که به طور احتمال انگیزه اصلی ورود به این حوزه، موضوع‌شناسی صحیح پول برای کاربرد آن در بحث‌های فقهی به ویژه بهره و ربا بوده است.

یکی از نخستین آثار در این حوزه کتاب **پول در اقتصاد اسلامی** است که ایده اصلی نویسندگان آن در تبیین چیستی پول، منحصراً ساختن پول در مفهوم ارزش مبادله‌ای است. با علم به تفکیک بین ارزش مصرفی و مبادله‌ای، نویسندگان پول را چیزی می‌دانند که «ارزش مصرفی آن در ارزش مبادله‌ای آن است» (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۴، ص ۱۶). سه تعریف آنها از پول عبارت است از «چیزی که بیانگر مالیت مال است»؛ «عین مالیت مال است» و «چیزی که بیانگر و حافظ ارزش مبادله‌ای خالص است» (همان، ص ۱۵). نکته‌های هستی‌شناسانه دیگری نیز از سوی آنان مورد اشاره قرار گرفته از جمله «اینکه چیزی به عنوان پول مورد رغبت قرار می‌گیرد ... به علت ویژگی‌هایی است که می‌تواند حافظ ارزش مبادله‌ای باشد؛ علت اینکه خراشیدن سکه‌ها در گذشته مورد توجه استفاده‌کنندگان قرار نمی‌گرفت این بود که استفاده‌کنندگان فقط به ارزش مبادله‌ای آن توجه داشتند» و «در طلا و نقره آنچه مردم را از حفظ ارزش مبادله‌ای مطمئن می‌کند ویژگی‌های ذاتی و در پول اعتباری قدرت و خوش‌نامی و اعتبار است» (همان، ۱۳۷۴، ص ۱۶-۱۴). در ارزیابی این مطلب‌ها به نکته‌های زیر اشاره می‌کنیم:

۱. در تعریف‌های ارائه‌شده از سوی نویسندگان دوگانگی در تبیین پول قابل مشاهده است. پول ابتدا به صورت «چیزی که بیانگر مالیت مال است» و «چیزی که بیانگر و حافظ ارزش مبادله‌ای خالص است» تعریف شده؛ یعنی پول چیزی است که بیانگر ارزش مبادله‌ای خالص بودن بر آن حمل شده است یا ماهیت و جوهره پول چیزی است که صفت داشتن ارزش مبادله‌ای بر آن جوهره نهاده شده است؛ اما در جای دیگر پول، عین مالیت مال تعریف شده که این دو تعبیر غیر از هم هستند.
۲. تعریف پول به عین مالیت مال یا همان ارزش مبادله‌ای صرف، خالی از عیب نیست؛ زیرا در معنای متعارف، پول بودن مفهومی غیر از ارزش مبادله‌ای بودن است. زمانی که گفته می‌شود «الف»، «ب» است به این معناست که این دو یک چیز هستند، حال آنکه چنان‌که عرف می‌فهمد پول بودن غیر از ارزش مبادله‌ای بودن است. این نقد بر تعریف/ینگهام

(۲۰۰۴م) از پول نیز وارد است که پول را فی نفسه ارزش (Money is Value in itself) و قدرت خرید انتزاعی (Money is Abstract Purchasing Power) تعریف می‌کند.*

۳. این بیان که «چیزی به عنوان پول مورد رغبت قرار می‌گیرد به این علت است که آن چیز ویژگی‌های دارد که می‌تواند حافظ ارزش مبادله‌ای باشد». شرح نظریه کالایی از پول شدن طلا و نقره است؛ بنابراین با کلیت ایده نویسندگان در تعارض. اگر پول شدن چیزی به سبب ویژگی‌های آن است، چگونه می‌توان پول بودن تکه کاغذ را توجیه کرد؟ واقعیت آن است که پول شدن چیزی نه به سبب ویژگی‌های ذاتی آن بلکه به سبب توافق ضمنی جمعی با منشأیت مرجع قدرت (دولت) در وضع کارکرد پولی بر آن شیء است.

۴. تفاوت بین سرچشمه اعتباردهی به پول جدید و قدیم در بیان نویسندگان هم با واقعیت‌های تاریخی در تعارض است و هم با جمله پیشین نویسندگان. عدم توجه استفاده‌کنندگان به خراش روی سکه در حقیقت از آن حاکی است که آنچه مردم را درباره ارزش مبادله‌ای مسکوکات مطمئن می‌ساخته، پذیرفتگی آن از سوی دیگران بوده که سرچشمه نهایی آن اعتبار ناشر است. معرفی ویژگی ذاتی سکه [طلا بودن] به عنوان مقوم حفظ ارزش مبادله‌ای در تعارض با استفاده از مسکوکات خراشیده از سوی آنان است. فقط پذیرش پول به مثابه اعتباری مجزا از ویژگی مادی آن است که قادر می‌باشد علت پذیرش مسکوکات خراشیده یا مهم‌تر از آن مسکوکات کاهش ارزش داده‌شده در گذشته را توضیح دهد.

یوسفی (۱۳۷۷) در تحقیق خود در تبیین پول‌های فلزی و اسکناس - پول‌هایی که مابه‌ازای ملموس و عینی دارند - و پول بانکی - که فاقد این مابه‌ازای عینی است - دو راه گوناگون می‌پیماید و سرانجام به این تعریف از پول می‌رسد که «پول شیئی فیزیکی دارای ارزش مبادله‌ای عام یا شیء غیرفیزیکی که خود فی نفسه ارزش مبادله‌ای عام دارد، است» (یوسفی، ۱۳۷۷، ص ۱۵۰). وی در توضیح این تعریف بیان داشته که در پول فلزی و اسکناس اشیایی با ضمیمه ارزش مبادله‌ای عام به عنوان پول پذیرفته می‌شوند؛ اما در پول تحریری خود آن ارزش مبادله‌ای عام بدون هیچ ضمیمه‌ای پول است. وی پذیرفته‌بودن تمام شکل‌های پول را نیازمند توافق عمومی به وسیله عرف و عقلا دانسته و اثرگذاری دولت بر اعتبار پول کاغذی را رد می‌کند (همان، ص ۱۳۸). در ارزیابی کوشش وی باید به نکته‌های زیر اشاره کرد:

*. ما در ادامه و در ارائه شرح خود از ماهیت پول، با تفکیک دو سطح از چیستی پول این معما را خواهیم گشود.

۱. ارائه دو تعریف درباره پول - به صورتی که یکی پول فلزی و اسکناس را و دیگری پول بانکی را توضیح دهد- از عدم ارائه تبیینی مشترک و شامل از چیستی پول حاکی است؛ زیرا پول فلزی، اسکناس و پول بانکی همگی در ویژگی «پول بودن» مشترک هستند و تعریف صحیح از پول باید تمام آنها را پوشش دهد.

۲. تعریف دوم نویسنده که وی آن را برای تبیین پول بانکی (تحریری) ارائه کرده - پول (بانکی) شیء غیرفیزیکی که خود فی نفسه ارزش مبادله‌ای عام است- نیز با همان انتقاد پیشین روبه‌رو است؛ یعنی پول در معنای متعارف عیناً همان ارزش مبادله‌ای عام نیست.

۳. مردود دانستن اهمیت اعتبار دولت در اعتبار پول‌های رایج به زعم ما نادرست است. معرفی عرف به عنوان سرچشمه ارزشمندی (پذیرفتگی) پول به این معناست که پول از سوی یک فرد پذیرفته می‌شود؛ چون می‌داند دیگران هم پول را از وی می‌پذیرند؛ اما این نوع اتکا به عرف نمی‌تواند توضیح‌دهنده پذیرفتگی پول باشد زیرا؛ اولاً، پرسیده می‌شود که دیگران به چه علت چنین می‌کنند؛ ثانیاً، توضیح نمی‌دهد به چه علتی در برخی موارد توافق عرف و عقلا روی پول بودن چیزی ساقط می‌شود، مانند اینکه مردم در برخی جوامع به جای پول‌های رایج کشور خود از دلار استفاده می‌کنند (دلاریزه‌شدن) (Dollarization) که پاسخ، چیزی جز ساقط شدن اعتبار ناشر (دولت) نیست. پذیرفتگی هماهنگ نشده و خودجوش دلار هم به اعتبار ناشر آن باز می‌گردد، نه توافق عمومی عرف و عقلا. به عکس آنچه نویسنده با کاربرد عبارت «توافق عمومی عرف و عقلا» القا می‌کند، هیچ توافق صریحی باعث اعتبار ارزش برای پول نشده بلکه معنای توافق فقط به معنای پذیرش ضمنی پول به وسیله عموم مردم می‌باشد که مؤخر است بر اعطای اعتبار بدان از سوی دولت.

توسلی (۱۳۸۴) و همکاران (۱۳۹۱) درصدد ارائه و نقد دیدگاه‌های اندیشه‌وران اسلامی و غربی درباره پول برآمدند. با توجه به اینکه بیان وی به طور عمده ارائه شرحی از نظرهای موجود و نقد آنان بوده، فقط به ذکر دو نکته درباره آثار وی بسنده می‌کنیم؛ اولاً، شرح نویسندگان از نظریه‌های ارائه‌شده درباره ماهیت پول در غرب نشان می‌دهد که رجوع آنان به نظریه‌های دگراندیش (اعتباری) پول کافی و جامع نبوده، بنابراین قضاوت نویسنده که «هیچ تبیینی رضایت‌بخش از ماهیت پول در غرب و در مطالعه‌های داخلی ارائه نشده» (توسلی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۳۸) را باید قضاوتی عجولانه دانست. توجه نویسنده به اینکه عرف در ماهیت پول «مال» و «مالیت» را یکسان ندانسته و آن دو را از هم تفکیک می‌کند یا به عبارت دیگر برای پول ذاتی قائل است که آن ذات وصف مالیت دارد (همان)

نیز تأملی دقیق است که اشاره ما به عدم این‌همانی بین پول و ارزش مبادله‌ای به طور دقیق ناظر به همین نکته است.

اشاره‌های پراکنده دیگری نیز درباره ماهیت‌شناسی پول به‌وسیله صاحب‌نظران داخلی صورت گرفته است از جمله شهید مطهری^{۱۱} ارزش پول را به قابلیت آن در کسب دیگر اموال منتسب کرده؛ بر خلاف ارزش کالا که در سلسله علت‌های مبادله‌هاست ارزش پول را در سلسله معلول‌های مبادله می‌داند (مطهری، ۱۳۸۰، ص ۱۷۵)؛ اما اینکه ارزش پول منظور نویسنده ارزش‌مندی پول است از قابلیت آن در کسب دیگر اموال ناشی است، تبیینی است که در عین صحت، بیانی صحیح از سرچشمه اصلی (نهایی) پذیرفتگی پول نیست؛ زیرا این پرسش مطرح می‌شود که چرا یک تکه کاغذ چنین قابلیت یافته که به طور طبیعی باید به پذیرش عمومی مبتنی بر اعتبار ناشر اشاره کرد. از این‌رو بیان ما علت اصلی و بنیادین ارزش پول را می‌رساند؛ اما اینکه ارزش پول در سلسله معلول‌های مبادله است، اگر منظور این باشد که ارزش پول از مبادله گرفته شده است کلامی نادرست یا غیردقیق است؛ زیرا ارزش یافتن کاغذ یا بدهی بانک فی نفسه مستقل از مبادله است و به اعتبار ناشر و پذیرفتگی این بدهی به عنوان حامل ارزش به وسیله عموم باز می‌گردد. اینکه بپذیریم که نیاز به مبادله سبب زمینه‌سازی برای ابداع و توسعه پول شده غیر از آن است که گفته شود ارزش پول معلول مبادله است.

مجاهدی و همکاران (۱۳۹۲) به رغم انتخاب یک عنوان چشم‌گیر برای مطالعه خود، تبیینی منظم و منسجم از ماهیت پول ارائه نکرده و به نظر می‌رسد عمده بحث‌های آنها خارج از چارچوب عنوان مقاله - بیشتر مربوط به موضوع خلق پول- و در بسیاری از بخش‌ها نامفهوم است. ضعف فاحش مطالعه، نام‌گذاری نظریه‌های چند نویسنده غربی به عنوان رویکرد غربی به پول است که به اتکای آن در یک قضاوت عجیب، تفاوت نگاه اندیشه‌وران اسلامی با غربی در توجه به ماهیت پول معرفی شده (مجاهدی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۲۲۵) و اندیشه‌وران غربی فقط نظریه‌پرداز در حوزه کارکردهای پول و فاقد ورود به ماهیت‌شناسی پول تلقی شده‌اند! این از عدم اطلاع نویسندگان از ادبیات موضوع در بین نحله‌های گوناگون نظریه‌پردازی پولی در غرب حاکی است.

ارائه تعریفی از پول

بحث‌های پیش‌گفته که بیانی مؤجز از اهم دیدگاه‌های اندیشه‌وران غربی و داخلی درباره مسائل مربوط به چیستی پول بود، ما را به سوی ارائه شناختی از پول هدایت می‌کند. در ارائه این تعریف از پول باید واقعیت‌های زیر را مد نظر داشت:

۱. ماهیت پول چیزی غیر از ماده پولی (فلز، کاغذ اسکناس و ...) است. آنچه به پول ارزش می‌دهد، ماده‌ای که پولیت بر آن وضع شده نیست.
۲. تعریف پول باید شامل تمام مصداق‌های آن باشد و نباید برای انواع مصداق‌های پول تعریف‌های جداگانه ارائه کرد که این به معنای عدم ارائه تعریفی صحیح از پول است.
۳. در پول‌شدن پول، اعتبار ناشر نقشی کلیدی دارد.
۴. در معنای متعارف، پول ذاتی غیر از مالیت (ارزش مبادله‌ای یا قدرت خرید) دارد. در حقیقت ارزش مبادله‌ای و قدرت خرید بر آن ذات حمل شده است.
۵. تمام پول‌ها به وسیله روابط بدهی - اعتبار پدید آمده و رابطه‌ای اجتماعی با سه طرف (دارنده پول، پذیرنده پول و ناشر معتبر) است.

بر اساس آنچه از ادبیات موضوع برداشت می‌شود، باید بین مفهوم جوهری و اولیه پول و آنچه در عرف از پول برداشت می‌شود تفاوت قائل شد. در حقیقت ما برای پول یک مفهوم اصلی و اولیه قائلیم (که مراد عرف از پول آن نیست) و یک مفهوم رایج و عرفی. ما این دو معنا و مفهوم را به دو سطح تلقی از پول بازمی‌گردانیم.

سطح اول: مفهوم جوهری پول

تعریف ما از جوهره پول این است:

پول معیاری انتزاعی برای بیان ارزش‌ها - قیمت‌ها و بدهی‌ها - است.

به عبارت دیگر مفهوم اولیه پول همان معیار انتزاعی ارزش یا نمایشگر ارزش یا همان پول محاسباتی به تعبیر کینز است. پول همان مفهومی است که بدهی افراد به یکدیگر را اندازه‌گیری می‌کند؛ پول همان چیزی است که قیمت یک کالا بر حسب آن بیان می‌شود. پول در این معنا یک استاندارد انتزاعی ثالث است که مقایسه دو کالا با ارجاع به این معیار صورت می‌گیرد.

در این سطح تلقی، پول قابل مقایسه است با واحدهای سنجش طول و وزن (متر، گرم و ...). پول معیار انتزاعی اندازه‌گیری ارزش است، همان‌طور که متر و گرم معیار انتزاعی سنجش طول و وزن. توجه شود که مفهوم‌های انتزاعی طول و وزن را می‌توان بر شیئی در جهان خارج وضع کرد (مانند کاربرد پاره‌ای آهن به عنوان وزنه ترازو)، به همین صورت کارکرد پول را نیز می‌توان بر شیئی در جهان خارج (سکه، اسکناس و ...) وضع کرد؛ اما مفهوم پول در این سطح چیزی غیر از اسکناس، مسکوک و ... است؛ همان‌طور که مفهوم انتزاعی گرم، چیزی غیر از وزنه آهنی است.

سطح دوم: معنای عرفی پول

عرف، پول را وجودی دارای ارزش تلقی می‌کند که ارزش این وجود ارزشمند بر حسب پول محاسباتی اندازه‌گیری شده است. به عبارت دیگر در عرف، پول چیزی است که واجد ویژگی‌هایی از جمله داشتن ارزش مبادله‌ای خالص است. این سطح تلقی از پول پایین‌تر از سطح پیشین است. همان‌طور که گفته شد در معنای اولیه، سکه و اسکناس پول نیستند؛ بلکه پول همان معیار انتزاعی ارزش است؛ اما در عرف پول به سکه و اسکناس و اعداد موجود در حساب بانکی اطلاق می‌شود؛ بنابراین ما در سطح دوم باید تعریفی از پول متناسب با این تلقی رایج و عرفی ارائه کنیم:

پول نشانگری (Signifier) دال بر دین ناشر به پذیرنده است که ارزش مبادله‌ای خالص دارد یا پول نشانگر بدهی ناشر (بدهکار) به پذیرنده (بستانکار) است که این بدهی بر حسب پول محاسباتی (معیار انتزاعی ارزش) بیان شده و به پشتوانه مقبولیت ناشی از اعتبار ناشر دارای مقبولیت عام (قدرت خرید) می‌شود.

ذکر چند نکته در توضیح تعریف‌های پیش‌گفته الزامی است:

۱. تفکیک ما بین دو سطح تلقی درباره پول از این ناشی است که ارائه تعریفی که بتواند پوشش‌دهنده این دو سطح متفاوت از معنای پول باشد غیرممکن است. دوگانگی موجود در بیان نظریه‌پردازان اعتباری ریشه در همین دارد، چنان‌که از یک‌سو پول ارزش فی نفسه، نمایشگر ارزش انتزاعی و ارزش اشیا به دور از خود آنها تعریف شده (سطح اول تعریف پول در بیان ما) و از سوی دیگر نوعی تعهد به پرداخت و طلبی از جامعه معرفی شده است (سطح دوم) که این دو تعبیر را نمی‌توان یکسان دانست.

واقعیت آن است که پول در معنای جوهری و اولیه خود استاندارد برای نمایشگری ارزش‌هاست؛ اما تلقی پول به عنوان تعهد به پرداخت یا طلبی از جامعه ناظر بر شناخت عرفی از آن. در سطح اول بین پول و ارزش مبادله‌ای این‌همانی برقرار است - پول همان ارزش مبادله‌ای است؛ اما در سطح دوم پول چیز یا ذاتی است که وصف ارزش مبادله‌ای دارد. این تمایز، چیزی است که در ادبیات موضوع نظریه‌پردازان اعتباری و برخی مطالعه‌های داخلی از آن غفلت شده است.

۲. همان‌طور که از تعریف ناظر بر فهم عرفی از پول بر می‌آید، ذات و ماهیت پول به پندار ما همان بدهی (طلب) است. این دیدگاه برگرفته از تلقی زیرمیل از پول به عنوان طلبی از جامعه (Money is a Claim upon Society) و اینگهام به مثابه یک تعهد یا قول به پرداخت (Money is a Promise to Pay) است.* آنچه به تعریف‌های نظریه‌پردازان اعتباری افزودیم این است که ما پول را نشانگر یا دلالت‌کننده بدهی دانستیم نه خود آن بدهی. در حقیقت اگرچه قوام پول (آنچه پول را پول می‌کند) یک بدهی مقبول است؛ اما در فهم عرفی، پول نشانگر یا سندی دال بر آن بدهی مقبول است. این کارکرد نشانگری می‌تواند بر طلا، کاغذ یا بر اعداد و ثبت‌های دیجیتال وضع شود. عرف وقتی سخن از پول می‌کند، مرادش نشانگر یک بدهی (طلب) مقبول، بیان‌شده بر حسب پول محاسباتی و قابل انتقال به غیر است.

۳. پول در معنای اول هیچ مابه‌ازای عینی ندارد و فقط ارزش انتزاعی است؛ اما در معنای دوم پول مابه‌ازای عینی دارد؛ هر چند امروزه به شکل بیت کامپیوتری در ثبت‌های حسابداری.

۴. پول به مثابه نشانگر بدهی، وجود ذهنی (اعتباری) یا نهاد است. توجه شود که با اینکه ماده‌ای که نشانگر بدهی از آن ساخته شده عینیت دارد مانند طلا، کاغذ و بیت کامپیوتر؛ اما کاغذبودن و طلابودن غیر از پول‌بودن است و کارکرد پولی بر کاغذ، طلا و بیت رایانه وضع شده است. پول در معنای دقیق به لحاظ هستی‌شناختی (Ontologically) یک وجود ذهنی (Subjective) است؛ زیرا آنچه عینیت دارد، ماده پولی (کاغذ، طلا و بیت رایانه) است

*. شایان ذکر است توسلی (۱۳۸۴) بعد از تأکید بر تمایز بین ذات پول و مالیت آن، به احتمال دین‌بودن ذات پول که موصوف به صفت مالیت شده اشاره‌ای می‌کند: «عرف و عقلا لفظ و عنوان مال را برای اشاره به ذات شیئی که متصف به وصف مالیت یا ارزش مبادله‌ای شده به کار می‌برند. آن ذات و شیء یا عین خارجی است یا کلی فی‌الذمه مانند دین...» (توسلی، ۱۳۷۹، ص ۱۲۵).

چیزی که پول را بدل به پول کرده عبارت است از وضع کارکرد بر یک ماده به وسیله ناشر معتبر و پذیرش (ضمنی) جمعی آن. این ویژگی نهادهاست که هر قدر به لایه‌های پایینی ذهن رجوع می‌کنیم در می‌یابیم که نشانگر در قوام آن نهاد اصالت ندارد؛ البته نهادها از جمله پول- به لحاظ معرفت‌شناختی (Epistemologically) عینیت دارند، به این معنا که فهم و شناخت مشترک ذهنی از آن وجود دارد.*

۵. تعریف ما از پول هم توضیح‌دهنده ماهیت پول فلزی، اسکناس و پول رایج بانکی است. به پندار ما تمام این انواع پول در ذات نشانگری از رابطه بدهی-اعتبار موجود بین یک ناشر و پذیرنده است که بر حسب پول محاسباتی (مفهوم اولیه پول) بیان شده و به سبب پذیرفتگی عمومی ناشی از اعتبار ناشر، نشانگر آن بدهی به صورت عام پذیرفته شده و دارای ارزش مبادله‌ای می‌شود. مسکوکات و اسکناس نشانگری از تملک بدهی دولت و اعداد موجودی سپرده بانکی نیز نشانگری از تملک بدهی بانک است. از این رو تعریف ما جامع تمام مصداق‌های پول است.

۶. تعریف ما از پول، پول‌های کالایی مربوط به دوره‌های دور زندگی بشر مانند نمک، احشام و ... که خلق نوعی بدهی مبتنی بر اعتبار ناشر نیست را پوشش نمی‌دهد؛ زیرا این نوع مبادله‌ها - با استفاده از واسطه کالایی- را باید نوعی تهاتر پیشرفته و نه یکی از اقسام مبادله‌ها پولی دانست. این کالاها در معنای دقیق کلمه واسطه مبادله و نه پول بوده‌اند (اینگهام، ۲۰۰۴م، ص ۶۹). این ادعای ما به‌طور کامل هم‌جهت است با این ایده کینز که «اگر چیزی به عنوان یک واسطه مبادله راحت برای مبادله‌های نقدی و روزمره استفاده شود، ممکن است به پول بودن نزدیک شده باشد؛ اما اگر تمام مطلب همین باشد ما چندان از مرحله پایاپای خارج نشده‌ایم» (کینز، ۱۹۳۰م، ص ۳).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

ادبیات موضوع هستی‌شناسی پول از وجود دیدگاه‌هایی رقیب در ارائه شرحی از چیستی پول حاکی است. دو دیدگاه موجود که آنها را نظریه کالایی و نظریه اعتباری پول نامیدیم، هر یک تفسیرهایی مجزا و سازگار درباره مهم‌ترین مسائل هستی‌شناسانه پولی (ماهیت، ارزش و کارکرد محوری پول) بیان داشته‌اند. نظریه کالایی، پول را کالایی مشابه دیگر

*. برای توضیح مفصل درباره تفاوت عینیت و ذهنیت از حیث وجودی و معرفتی، ر.ک به: جان محمدی و عبداللهی، ۱۳۹۰.

کالاها می‌پندارد که در اصل تحت فعل و انفعالات بازاری بدل به واسطه مبادله شده، ارزش آن به ارزش کالایی یا ارزش کالایی پشتوانه آن منتسب شده و کارکرد اصلی آن واسطه مبادله است. نظریه اعتباری با جداسازی مفهوم پول از ماده پولی، آن را یک نمایشگر انتزاعی از ارزش و مطالبه‌ای از جامعه یا تعهد به پرداخت بین انسان‌ها می‌داند که وجود و ارزش آن متوقف بر روابط اجتماعی و عرف و قرارداد است. ارزش پول نیز در یک سطح به اطمینان فرد از پذیرش عمومی آن و البته در اصل به اعتبار و مرجعیت دولت باز می‌گردد؛ در بین کارکردهای پول نیز آنچه اولی است، نقش پول به عنوان واحد محاسبه ارزش است. ارزیابی ما از این مجادله نشانگر قوت بالاتر نظریه اعتباری در ارائه فهمی از چیستی پول است، اگرچه اشکال‌ها و ناسازگاری‌هایی نیز در کلام این گروه مشاهده می‌شود که مهم‌ترین آنها دوگانگی تعریف‌های ارائه‌شده از ماهیت پول است. در مطالعه‌های داخلی و به ویژه در ادبیات اقتصاد اسلامی نیز نظریه‌پردازی‌هایی درباره چیستی پول وجود دارد که در عین وجود نقاط قوت، هر یک کم‌وبیش کاستی‌هایی دارد که آنها را می‌توان شامل عدم ارائه تعریفی واحد از پول، عدم این‌همانی تعریف‌های ارائه‌شده، عدم درک صحیح از سرچشمه ارزش‌یابی پول و عدم رجوع کافی به ادبیات نظریه اعتباری دانست.

ما در کوشش خود جهت ارائه فهمی از پول با در نظر داشتن ملاحظه‌هایی که برآمده از آگاهی از کاستی‌های تعریف‌های موجود در ادبیات موضوع بود، بر تفکیک دو سطح تلقی از پول - سطح جوهری پول و سطح عرفی آن - تأکید کرده، پول را در معنای جوهری و اولیه همان معیاری انتزاعی از ارزش یا مفهومی برای اندازه‌گیری ارزش‌ها دانستیم و فهم صحیح عرفی از پول را نشانگری از یک طلب که بر حسب پول محاسباتی بیان شده و دارای قدرت خرید به پشتوانه مقبولیت ناشی از اعتبار ناشر است، معرفی کردیم. به پندار ما این تفکیک بین دو سطح تلقی درباره پول از عدم این‌همانی تعریف‌ها و دوگانگی موجود در کلام نظریه‌پردازان اعتباری و برخی مطالعه‌های داخلی رمزگشایی کرده و تمام مصداق‌های پول - غیر از واسطه‌های مبادله کالایی در دوره‌های بسیار دور زندگی بشر که ما آن را مصداق مبادله‌های پولی نمی‌دانیم - را پوشش می‌دهد.

منابع و مأخذ

۱. توسلی، محمداسماعیل؛ «بررسی و نقد نظریات برخی از اندیشه‌وران اسلامی درباره ماهیت پول»؛ فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، س ۵، ش ۱۹، ۱۳۸۴.
۲. _____؛ اکبر کمیجانی و سیدهادی؛ «بررسی و نقد نظریه‌های اندیشه‌وران اقتصادی غرب درباره ماهیت پول»؛ فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، س ۱۷، ش ۵۱، ۱۳۹۱.
۳. جان محمدی، محمدتقی و محمدعلی عبداللهی؛ «واقعیت‌های نهادی از دیدگاه جان سرل»؛ متافیزیک، س ۲، ش ۵ و ۶، ۱۳۸۹.
۴. جمعی از نویسندگان؛ پول در اقتصاد اسلامی؛ تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، ۱۳۷۴.
- ۱۳۵ ۵. شومپتر، جوزف؛ تاریخ تحلیل اقتصادی؛ ترجمه فریدون فاطمی؛ تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۰.
۶. مجاهدی مؤخر، محمداسماعیل، رحیم دلالی اصفهانی، سعید صمدی و رسول بخشی؛ «بررسی دیدگاه غربی و رویکرد اسلامی به ارتکاز ذهنی از ماهیت پول و اعتبار»؛ فصلنامه پژوهشها و سیاست‌های اقتصادی، ش ۶۵، ۱۳۹۲.
۷. مطهری، مرتضی؛ ربا، بانک، بیمه؛ تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۰.
۸. یوسفی، احمدعلی؛ ماهیت پول و راهبردهای فقهی و اقتصادی آن؛ تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۷.
9. Ball M. Laurence, **Money; Banking, and Financial Markets**; 2nd ed., Worth Publishers, 2011.
10. Fisher, I.; **The Purchasing Power of Money: its determination and relation to credit, interest and crises**; New York: Macmillan, 1911/1931.
11. Goodhart, A.E. Charles; "The two concepts of money: implications for the analysis of optimal currency areas"; **European Journal of Political Economy**, 14, 1998.

12. Harris, L.; **Monetary Theory**; McGraw-Hill Book Company, New York, 1981.
13. Hicks, J. R.; **Critical Essays in Monetary Theory**; Clarendon press, Oxford, 1967.
14. Hülsmann, Jörg Guido; **The Ethics of Money Production**; Ludwig von Mises Institute, 2008.
15. Ingham, G.; "Money is a Social Relation"; **Review of Social Economy**, 64, 4, 1996.
16. Ingham, Geoffrey; "Babylonian madness: on the historical and sociological origins of money"; in J. Smithin (ed.) **What is Money?**, London New York: Routledge, 2002.
17. Ingham, G. K.; **the Nature of Money**; Cambridge: Polity Press, 2004.
18. Innes, A.M.; **What is Money?**; *Banking Law Journal* , May, 1913.
19. Keynes, J.M; **A Treatise on Money** (2 vols); London: Macmillan, 1930.
20. Knapp, G.F.; **the State Theory of Money**; New York: Augustus M.Kelley, 1924.
21. Lau, J.Y.F., and Smithin J.; "The role of money in capitalism"; **International Journal of Political Economy**, 32, 3, fall, 2002.
22. Searle R. John; **The Construction of Social Reality**; New York, Free Press, 1995.
23. Seccareccia Mario & Parguez Alain; "The credit theory of money: the monetary circuit approach"; in J. Smithin (ed.) **What is Money?**, London New York: Routledge, 2002.
24. Simmel, G.; **The Philosophy of Money**; London: Routledge, 1978.
25. Walras, L.; **Elements of Pure Economics or the Theory of Social Wealth**; London: George Allen & Unwin, translation by W. Jaffé, 1954.